



یادداشت

رژیم قادر نیست، مردم هم تحمل این همه بحران را ندارند!

صادق کار



روز گذشته اداره آمار از افزایش نرخ تورم سالیانه به ۴۰،۴ درصد خبر داد. این آمار البته پیداست که کمتر از تورم واقعی است. دو سه روز پیشتر، سخنگوی دولت از افزایش قیمت بنزین ۳ هزار تومانی بنزین به ۵ هزار تومان اطلاع داد. یک هفته پیشتر خبر بنزین سوپر ۶۶ هزار تومانی منتشر شد. دو هفته قبلتر خبر افزایش ۱۵ درصد به قیمت نان تأیید شد. دو روز پیش یک مدیر دولتی نسبت به بحران دارو در صورت اختصاص بودجه هشدار داد.

در یک هفته اخیر رسانه ها از بحرانی شدن آلودگی هوا در شهرها و تعطیلی مدارس خبر دادند. انتشار خبر سوختن هزاران هکتار از جنگل های چند ملیون ساله هیرکانی به علت نداشتن تجهیزات اطفای حریق، اینها همه تنها بخشی از مصیبت همین روزها هستند که هرکدامشان اثرات فراوانی روی زندگی مردم و طبیعت کشور می گذارند.

همراه با انتشار این خبرهای ناگوارتر از هم، چندین اعتراض خیابانی از سوی کارگران و کارکنان شاغل و بازنشسته با خواست افزایش دستمزد و حقوق های بازنشستگی و اعتراض به سیاستهای حکومت منتشر شد. ۵ هزار نفر از کارکنان دولت نیز با انتشار طوماری نسبت به تصمیم افزایش حقوق ۲۰ درصدی سال آینده و راه اندازی کمپینی اعتراضی برای افزایش واقعی حقوق خبر دادند. در اصفهان و زرین شهر ماموران سرکوبگر حکومت با محاصره محل برگزاری تجمع کارگران ذوب آهن که خواستار طبقه بندی و افزایش دستمزد بودند، از شکل گرفتن اعتراض جلوگیری کردند. ده ها اعتراض و اعتصاب دیگر در شهرهای مختلف انجام شد، همه ی این رخدادها مربوط به یکی دو هفته اخیر هستند. رخدادهایی که از وجود نارضایتی گسترده، وضعیت بحرانی مردم و کشور و ناتوانی و استیصال روز افزون حکومت حکایت می کنند و نگرانی های مردم را بیشتر می کنند.

رژیم در بن بست کامل قرار دارد. زیرساخت های اقتصادی در اثر بی توجهی به شدت آسیب دیده و تخریب شده اند و پاسخگوی تامین نیازهای اولیه مردم نیستند.

بحران های متعدد جامعه را در بر گرفته است. بعضی از بحرانها به اندازه ای حاد شده که چرخ تولید و کشاورزی را مختل کرده است.

ذخایر آب که مهمترین عامل بقا و حیات انسان است در اثر سوءمدیریت و خشک سالی آنچنان تخریب شده است که حتی دسترسی به آب شرب را برای مردم دشوار کرده است.



۴۰ درصد سرزمین ایران در حال فرونشست است. رشد اقتصادی سالهاست منفی شده است. دستکم ۳۰ درصد مردم یا شغل و درآمدی ندارند یا برای تامین نیازهای اولیه زندگی شان چند شغله هستند.

نرخ رسمی تورم از ۴۰ درصد گذشته و به سرعت در حال شکستن رکوردهای پیشین است. قیمت مسکن به حدی رسیده که فقط میلیاردرها قادر به خرید خانه هستند. بالا رفتن اجاره بها عملاً تامین مسکن اجاره‌ای را برای میلیون‌ها خانوار دشوار و ناممکن کرده است. افزایش هر روزه قیمت مواد غذایی سفره‌های ده‌ها میلیون‌ها ایرانی را از طعام مورد نیاز برای سلامتی تهی کرده است. نرخ تورم نقطه‌ای مواد غذایی به ۶۶ درصد رسیده‌است، تامین دارو و پرداخت هزینه درمان برای بیشتر مردم دشوار و ناممکن شده است.

فقر و نداری به بی خانمانی، سوءتغذیه، فحشا، اعتیاد، ترک تحصیل، افزایش خودکشی، ازدیاد روز افزون کودکان کار، مهاجرت، شکاف عمیق طبقاتی، نداشتن امنیت اجتماعی و سیاسی و غذایی و غیره منجر شده‌است. بساط بگیر و ببند و اعدام نیز گسترده‌تر از گذشته است و رژیم بجای رسیدگی به مطالبات مردم با انجام اقدامات زنجیره‌ای مانند افزایش قیمت بنزین، امتناع از افزایش دستمزدها، آزادسازی قیمت‌ها و حذف یارانه‌ها، به فقر و فلاکت اکثریت مردم دامن می‌زند و بینوا شدگان را بینواتر تر می‌کند

هیچ کدام از این بحرانها با وجود این رژیم بر طرف که نمی‌شوند هیچ، بنا به تجربه چند ده ساله رفع و تخفیف هم پیدا نمی‌کنند، علت‌اش هم روشن است. همه‌ی تلاشهای اصلاح طلبانه که برای وادار کردن رژیم به اصلاحات مسالمت آمیزه امور به عمل آمده، از خاتمی گرفته تا پزشکیان با شکست مواجه شده است. بنا بر این اصرار بر بازگشت به راه کارهای شکسته خورد و درخواست از نیروهای چپ برای مشارکت در پروژه‌هایی که کاملاً در عمل شکست خورده‌اند و رهبران آنها از خاتمی و موسوی گرفته تا روحانی و پزشکیان به شکست خود اذعان دارند، سراب و پاشیدن خاک به چشم مردمان است.

جنبش سبز که بعضاً به عنوان الگو از آن یاد می‌کنند با وجود مشارکت گسترده مردم و تعدادی از جریان‌ها چپ اصلاح طلب شکست خورد و مهمترین نتیجه ارزشمند آن این بود که جریان‌ها و افراد صادق شرکت کننده در آن دانستند که اصلاح امور ولو با مسالمت آمیز ترین روشها حتی اگر یک جناح از خود رژیم پرچم آن را بلند کرده باشد به نتیجه مطلوب نخواهد رسید.

بازتاب شکست جنبش سبز را ما در سه جنبش انقلابی ۹۶، ۹۸ و ۱۴۰۱ دیدیم، اکنون نیز تحول در ایران نه با بازگشت به عقب و چسبیدن به تجربیات آزموده شده و نافرجام جنبش سبز، بل که با حرکت در مسیر جنبش‌های انقلابی و بهره‌گیری از تجربیات و تکمیل تجربیات آنها با چشم انداز پایان دادن به رژیم فاسد، مستبد و فاشل فقه‌پس است. و اگر بنا بر مقایسه دست آورد های جنبش‌های انقلابی با جنبش سبز باشد، نسبت جنبش زن، زندگی، آزادی با جنبش سبز، صفر با صد است. یعنی آنچه را که جنبش انقلابی مهسا رقم زد مجموعه‌ی حرکت‌های اصلاح طلبانه به شمول جنبش سبز نتوانستند رقم بزنند. رهبران جنبش سبز اکثراً به غیر از موسوی و کروبی استحال پیدا کرده و اکنون به اولیگارشیهای ثروتمند و چپ ستیزی که از لحاظ طبقاتی تفاوت چندانی با سرکوبگران دیروز خود ندارند تبدیل شده‌اند. راه‌های اصلاح طلبانه شکست خورده‌اند، رژیم قادر به رفع بحران‌ها نیست، مردم هم تحمل این همه بحران را از دست داده‌اند. مبارزات مردمی نیز با سرعت در حال گسترش است.

اتحاد رمز پیروزی است!



متحد و متشکل علیه فقر و استبداد برای نان و آزادی!

سومین سالگرد جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی و یاد جان باختگان و آسیب دیدگان و زندانیان جنبش را گرامی می داریم و دست آوردهای انقلابی و مترقیانه آن را ارج می نهیم و خود را متعهد و مکلف به محافظت از دست آوردها آن می دانیم!

فقر: علل و چاره های آن بخش ششم

عبدالغنی فریندا، تنو مینگ تینگ، مجله بین المللی علوم انسانی و اجتماعی



3. علل فقر

3.3 بی ثباتی سیاسی، جنگ و جنگ داخلی

غالب کشورهای که از منابع طبیعی غنی اند، ممکن است به انگیزه "غارت این منابع" مستعد جنگهای داخلی باشند. تحقیقات چندی دریافتند که در کشورهای که هم به صادرات کالاهای اولیه وابسته اند و هم جمعیت مهاجر بزرگی دارند، خطر مناقشات داخلی به طور قابل توجهی افزایش می یابد. این پدیده ای گسترده و شناخته شده در آفریقا بوده است .

اگرچه سودان به طور رسمی در سال 2011 به سودان و جمهوری سودان جنوبی تقسیم شد، درگیری اخیر بین این دو کشور عمدتاً به دلیل اختلافات مداوم بر سر نحوه تقسیم درآمدهای سودآور نفت رخ داد. این درحالی بود که زمانی تصور می شد نفت عامل پیوند میان دو بخش، و مانعی برای درگیری است، زیرا میادین نفتی در جنوب و پالایشگاه ها در شمال قرار داشتند. اما امروز، همان نفت دلیل تنش بین این سرزمین تکه تکه شده است. از قضا در طول جنگهای داخلی، مقادیر زیادی منابع صرف تسلیحات می شود که می تواند به طور معقولی برای کاهش فقر به کار آید. ظاهراً هم جنگهای داخلی و هم فقر به شیوه ای غیرقابل تفکیکی با یکدیگر همراهی دارند.

البدوی (Elbadawi) بر این نظر است که جنگهای داخلی به دلیل ماهیت مخرب خود، عمدتاً به دلیل تخریب سرمایه، جابجایی مردم و افزایش ناامنی به فقر می انجامد. جنگهای داخلی می توانند فعالیت های سرمایه بر مانند ایجاد زیرساختها، تولید محصولات صنعتی یا خدمات مالی را مختل کنند؛ می توانند هزینه ها و منابع ملی را از خدمات اقتصادی به عملیات جنگی منحرف کنند و می توانند سمتهای سرمایه گذاری را از سرمایه گذاری داخلی به فرار سرمایه تغییر دهند.



جنگ داخلی و نسل کشی که در دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ در رواندا رخ داد، نیز تأثیرات اقتصادی عمیقی بر استانهای این کشور داشت. جنگ به آنجا منجر شد که بیش از ۶۰ درصد از ۸ میلیون نفر جمعیت کشور به زیر خط فقر سقوط کنند. یک گروه بین‌المللی از کارشناسان حقوق بشر در گزارش مبسوطی، اختلال در تولید کشاورزی و در زندگی روستاییان شمالی کشور را مستند کرد. قبل از جنگ این استانهای شمالی، نسبت به سایر مناطق رواندا، تولید مازاد محصولات کشاورزی بودند و سیب زمینی مورد نیاز بقیه کشور را تأمین می‌کردند.

جوستینو (Justino) و ورویمپ (Verwimp) نشان دادند که این استانهای قبلاً ثروتمندتر، پس از خاتمه جنگ داخلی رشد اقتصادی کمتر و حتی منفی را نسبت به استانهای فقیرتر غربی و جنوبی تجربه کرده اند. آنها همچنین دریافتند که خانوارهایی که خانه شان ویران شده یا زمین خود را از دست داده بودند، با خطر بیشتری برای افتادن در دام فقر روبرو شده بودند.

۳.۴ ویژگیهای طبیعی و جغرافیایی

بسیاری از کشورها به دلیل ویژگیهای جغرافیایی شان، که آنها را مستعد رشد اقتصادی ضعیف می‌کند، "ذاتاً" فقیر اند. مثلاً اکثریت مردم آفریقا در داخل کشور دور از سواحل دریایی یا رودخانه های قابل کشتیرانی زندگی می‌کنند تا در سایر مناطق، و بنابراین با هزینه های حمل و نقل بالاتری برای صادرات روبرو اند. علاوه بر این بخش زیادی از جمعیت در کشورهای زندگی می‌کنند که محصور در خشکی اند. این مشکلات جغرافیایی مربوط به مسافت طبعاً با موانع سیاسی تشدید هم می‌شوند.

کشورهای محصور در خشکی عمدتاً از همه طرف با مرزهای ملی احاطه شده اند. این ممکن است یک مانع قابل ملاحظه برای تجارت باشد، حتی اگر این کشورها روابط خوبی با همسایگان خود داشته باشند. البته نباید از نظر دور داشت که کشورهای آفریقایی نسبت به سایر کشورهای فقیر جهان تنوع قومی بیشتری دارند، و این ممکن است توسعه یک اقتصاد به هم پیوسته را دشوارتر کند. معمولاً نمودارهای رشد نشان می‌دهند که محصور بودن در خشکی نرخ رشد سالانه یک کشور را حدود نیم درصد کاهش می‌دهد.

علاوه بر این، بخش زیادی از قاره آفریقا استوایی است و رشد کند اقتصادی این قاره به دلیل "نفرین مناطق استوایی" است. قابل توجه است که آب و هوای نامساعد آفریقا سبب سلامت ضعیف می‌شود. امید به زندگی در این قاره در تاریخ پایین بوده است. مرگ و میر بالای نوزادان، علیرغم جمعیت با باروری بالا، موجب ثبات نسبی جمعیت در این قاره می‌شود. این ثبات جمعیتی تا حدی به دلیل بیماریهای استوایی مانند مالاریا نیز هست.

آب و هوای نامساعد همچنین منجر به شسته شدن خاک و بارندگی غیرقابل اطمینان می‌شود. در آفریقا سالانه پنج تا ۱۲ میلیون هکتار زمین به دلیل تخریب شدید از بین می‌رود و تخریب خاک ۶۵ درصد از زمینهای زراعی آفریقا و ۴۰ درصد از زمینهای زراعی آسیا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بخش زیادی از قاره آفریقا نیمه‌خشک است و بارندگیها در آن تابع چرخه‌های طولانی و وقفه های غیرقابل پیش‌بینی اند. خاکها به طور نامتناسبی از یک نوع سنگ بسیار قدیمی حاصل می‌شوند که دارای مواد مغذی کمی است و به طور قابل توجهی بین نقاط مختلف متفاوت است. از دهه ۱۹۶۰، مناطق نیمه خشک آفریقا در مرحله کاهش بارندگی قرار گرفته‌اند. تخمینی از پیامدهای این کاهش برای تولید کشاورزی وجود ندارد. پیامدها ممکن است قابل توجه باشند، زیرا تولید کشاورزی حدود یک چهارم از تولید ناخالص داخلی در این منطقه را تشکیل می‌دهد.



با توجه به فقدان آبیاری، غیرقابل پیش‌بینی بودن بارندگی به معنای خطرات بالا در کشاورزی است. این وضع شرایط خصمانه‌ای را ایجاد کرده است که فعالیتهای کشاورزی را محدود می‌کند.

نمونه قابل توجه کشاورزی مانند اتیوپی است که از قحطی در اثر خشکسالی مداوم در طول سال رنج می‌برد. طبق برنامه غذایی جهانی، در این کشور حداقل ۱۴ میلیون نفر در معرض خطر قرار دارند، زیرا خشکسالی تولید محصولات غذایی را در آن به شدت کاهش داده است. نمونه ای دیگر: حدود یک سوم بنگلادش در طول فصل موسمی هر سال دچار سیل می‌شود که به طور جدی فعالیتهای کشاورزی را مختل می‌کند. این کشور همچنین از بلایای طبیعی مانند خشکسالی و طوفان رنج می‌برد که باعث خسارات مالی و جانی بسیار می‌شوند. این کشورها، با توجه به موقعیتهای جغرافیایی نامساعدشان، در واقع در مسیر نامساعدی برای فرار از تنگنای فقر قرار دارند

. اتحاد، اعتراض، نبرد تا رهایی!

از مبارزه زنان علیه تبعیضات جنسی و برای برابری حمایت کنیم!

کمیته‌های اعتصاب را در کارخانه‌ها و ادارات تشکیل دهیم!

پیشنهاداتی بر مبنای مطالبات مطرح شده در اعتراضات کارگران

بهروز فدایی



خواست کارگران داشتن حق زندگی شایسته است: دستمزدها باید بر اساس هزینه های واقعی زندگی به نحوی که امکان یک زندگی شایسته را فراهم کند افزایش داده شوند

حقوق کارگران، معلمان، پرستاران، کارمندان و بازنشستگان باید بر اساس هزینه واقعی زندگی تعیین شود. معوقات مزدی باید فوراً پرداخت شود، دستمزد و حقوقها منظم و به موقع پرداخت شوند و امنیت شغلی تامین گردد

مسکن:

کارگران و مزد و حقوق بگیران خواهان مسکن مناسب هستند.

مسکن کالایی برای سوداگری نیست، حقی است همه‌گانی

کارگران و مردم خواهان



- کنترل قانونی اجاره‌بها
- گرفتن مالیات از خانه‌های خالی
- ساخت مسکن اجتماعی برای خانواده‌های کم‌درآمد
- بیمه‌های اجتماعی:
- ۳. کارگران خواهان برخورداری از بیمه‌های درمان، دارو، بیکاری و حوادث هستند هیچ‌کس نباید به دلیل هزینه درمان، بیماری خود را رها کند خواسته‌های کارگران و مزد بگیران::
- دسترسی به دکتر و دارو هنگام نیاز
- بیمه درمانی کارآمد و فراگیر
- درمان رایگان و ارزان حمایت از بیماران خاص، معلولین و از کار افتادگان هستند
- ۴. کارگران خواهان برخورداری فرزندان شان از آموزش با کیفیت و رایگان هستند آموزش عمومی نیازمند افزایش بودجه، مدرسه و معلم کافی و کارآمد و ایجاد فضای دموکراتیک است::
- بهبود وضعیت معلمان
- اجرای کامل قوانین رتبه‌بندی
- ارتقای کیفیت آموزشی برای همه کودکان
- آزادی معلمان زندانی و برخورداری از حق فعالیت سندیکایی
- ۵. حق برخورداری از امنیت شغلی و حمایت از تولید و کارگاه‌های کوچک اشتغال پایدار بدون تولید ممکن نیست. مطالبات:
- حمایت از صنایع و کسب‌وکارهای کوچک
- رفع عوامل تعطیلی واحدهای تولیدی
- حمایت از کشاورزان و دامداران در تأمین آب و نهاده‌ها
- ۶. حق برخورداری از خوراک، انرژی و کالاهای اساسی با قیمت منصفانه گرانی افسارگسیخته زندگی را غیرممکن کرده است کارگران خواستار ::
- کنترل قیمت کالاهای اساسی، کاهش تورم،
- شفافیت در زنجیره توزیع



• حذف رانت و احتکار هستند

۷. کارگران خواهان رعایت حق تشکل و حقوق سندیکایی هستند
جامعه‌ای بدون تشکل مستقل، قدرت بیان ندارد.
مطالبات:

- آزادی ایجاد و فعالیت آزادانه تشکلهای صنفی و مدنی
- آزادی فعالیت نهادهای مدنی

۸. برسمیت شناختن حق آزادی و فعالیت نهادهای مدنی.
اعتراض اجتماعی جرم نیست؛ ابزار بیان مردم است:.

- به رسمیت شناختن حق اعتراض قانونی

۹. مبارزه با بی عدالتی، فساد و ایجاد شفافیت اقتصادی

- شفافیت مالی در نهادهای دولتی و خصوصی

- تامین آب و برق پایدار و هوای قابل تنفس

زندگی و سلامت مردم وابسته به محیط زیست است:

- مدیریت بحران آب

- توقف پروژه‌های مخرب ضد محیط زیستی

- حمایت از کشاورزی

- کاهش آلودگی هوا و حفاظت از منابع طبیعی

این ها موارد عاجلی از مطالبات کارگری و مردمی هستند که طبعاً با وجود سیطره استبداد و سرکوب حکومتی بدون مبارزه پیگیرانه کارگران و مردم قابل وصول نیستند و حکومت داوطلبانه هیچ کدام از آنها را نخواهد پذیرفت با این حال می تواند منشا یک سری فعالیت مشترک باشند.

چاره کارگران و مزد بگیران وحدت و تشکیلات مستقل است!



نجات تامین اجتماعی از فروپاشی برکناری مدیریت دولتی است!

صادق



محمد رجبی، دبیر کانون بازنشستگان تامین اجتماعی شهرستان البرز، روز گذشته در ارتباط با مشکلات درمانی بازنشستگان به خبرنگار ایلنا گفت: ما دیگر توان پاسخگویی به بازنشستگان را نداریم و ماه‌هاست که با این موضوع درگیر هستیم. بازنشستگان از خدمات درمانی محروم شده‌اند. بیشتر مراکز درمانی یا لغو قرارداد کردند یا خدمات مناسبی ارائه نمی‌دهند و از همکاری با بیمه‌ها سرباز می‌زنند.

البته وضعیت بازنشستگان در ارتباط با دارو و درمان از این که محمد رجبی گفته است به مراتب بدتر و در واقع مصیبت بارتر است.

گزارشات متعددی که به نقل از خود بازنشستگان منتشر شده نشان می‌دهند که بخش زیادی از حقوق‌های ناچیز بازنشستگان را هزینه‌های پزشکی می‌بلعد و این سازمان بطور مرتب از ارائه خدمات مکفی دارویی و پزشکی به بیماران طفره، علت آن غیر از این نیست که تامین اجتماعی به طور غیر قانونی و خلاف مقررات تامین اجتماعی، از انجام بخش‌های از وظایف خود طفره می‌رود و از تامین نیازهای دارویی و پزشکی بازنشستگان به بهانه‌های مختلف امتناع دارد. از سوی دیگر دولت و مجلس با حذف یارانه دارو و اختصاص ندادن بودجه برای خرید دارو موجبات افزایش قیمت و نایب شدن دارو در داروخانه‌ها را فراهم کرده‌اند.

وضعیت به گونه‌ای است که عدم اختصاص بودجه صدای رئیس سازمان غذا و دارو را درآورده و روزنامه‌ها از قول او نوشتند:

"رئیس سازمان غذا و دارو، با اشاره به بحران ارزی و اختلال در انتقال منابع مالی، هشدار داد که در صورت ادامه وضعیت موجود، کمبود برخی اقلام دارویی و شیرخشک در ماه‌های آینده محتمل است. به گفته مهدی پیرصالحی، کاهش تخصیص ارز و کمبود نقدینگی شرکت‌های دارویی، زنجیره تامین را با اختلال جدی روبه‌رو کرده و بدهی دانشگاه‌های علوم پزشکی نیز بر این مشکل افزوده است"

کمبود و گرانی دارو البته عمومیت دارد و علاوه بر بازنشستگان که درآمد کمی دارند، اعتراض حتی آنهایی را که وضعیت اقتصادی بهتری از بازنشستگان دارند برانگیخته است و گرانی دارو را به یکی از کانونهای اعتراضی گسترده مردم علیه حکومت تبدیل کرده است.

بخشی از درمان بازنشستگان از سالها پیش تحت عنوان بیمه تکمیلی به بیمه‌های خصوصی واگذار یا در واقع خصوصی سازی شده است. بیمه طرف قرار داد بازنشستگان از هفته گذشته بطور ناگهانی قرارداد خود را گویا بخاطر بالا بردن حق بیمه تعلیق کرده است.



هزینه این بیمه را خود بازنشستگان باید بپردازند. تعلیق قرارداد عملاً بازنشستگان را علی الحساب از پوشش این بیمه محروم و فشار دیگری را بر فشارهای اقتصادی وارد آمده به آنها افزوده است.

بیمه تکمیلی از آن بلاهایی است که دولت برای کاهش تعهدات خود به بیماران بازنشسته وارد آورده است. بازنشستگان خواستار لغو بیمه تکمیلی و پوشش درمان توسط سازمان تامین اجتماعی هستند و 'درمان رایگان' را که در قانون اساسی وعده داده شده طلب می کنند.

اعتراض بازنشستگان در دارو و درمان خلاصه نمی شود. در بخش دیگری از گزارش (دبیر کانون بازنشستگان تامین اجتماعی شهرستان البرز) به وضعیت بد معیشتی هم اشاره و گفته می شود:

" کارگران بازنشسته با حقوق فعلی قادر به تأمین هزینه های زندگی خود نیستند و تورم موجود آن ها را در وضعیت استیصال قرار داده است. حتی پرداختی هایی که پیش تر در حد کوپنی به بازنشستگان ارائه می شد، اکنون متوقف شده و بازنشستگان در تأمین نیازهای ابتدایی، درمانی و رفاهی خود دچار مشکل شده اند. بازنشستگان امروزه تنها و مستاصل به حال خود رها شده اند"

بله همین حقوق های ناچیز نیز که یک چهارم هزینه های اولیه زندگی را به زحمت پوشش می دهد، با تاخیر بسیار پرداخت می شود. به همین جهت است که افراد زمانی که بازنشسته می شوند، تازه باید دنبال کار های دیگری بگردند تا لاقل مقداری از کسری هزینه های زندگی خودشان را جبران کنند.

متأسفانه انتشار گزارش های مختلف از وضعیت تامین اجتماعی غارت شده توسط وابستگان به قدرت نشان می دهد که این سازمان عظیم در اثر مدیریت فاسد دولتی بر آن و دستبرد مداوم دولتها به درآمدها و سرمایه های آن دارد مانند خود حکومت بسوی فروپاشی می رود. با این اوصاف تنها اعضای خود تامین اجتماعی یعنی صاحبان واقعی تامین اجتماعی هستند که باید همت کنند با بدست گرفتن مدیریت این سازمان ۴۰ میلیونی این نهاد اساسی را از فروپاشی که حکم یک فاجعه را دارد نجات داده و آنرا در جهت اهداف و وظایف اش هدایت کنند. کانون های صنفی حکومتی بواسطه حکومتی بودنشان با سکوت و مماشیت در برابر وضعیت حاکم بر تامین اجتماعی و فشل شدن آن نقش داشته اند باید قبل از اینکه کار تامین اجتماعی به اینجا می رسید، حداقل کارگران را در جریان قرار می دادند، که ندادند



جرم بزرگ این انسان خردمند این است که به گروهی از قربانیان بیگناه این رژیم ستمگر و بیشعور یعنی کودکان از همه نظر بی پناه کمک کرده است! با وجود کسانی که این انسانهای شریف را بخاطر انسانیت شان به بند می کشند، این سرزمین بلارده را به دشمن و جاسوس چه نیازی است؟ این جماعت اگر جاسوس حقوقگیر رسمی، هم نباشند، بهترین جاده باز کن ها برای نفوذ دشمنان این زاد و بوم هستند! حسین میربهاری باقرار وثیقه ۵ میلیارد تومانی، آزاد شد.



مریم میربهراری، اعلام کرد حسین میربهراری بعد از ۴۵ روز بازداشت باقرار وثیقه ۵ میلیارد تومانی از زندان اوین آزاد شد.

آزادی تمامی زندانیان سیاسی، فعالان صنفی و مدنی و پایان دادن به پرونده‌سازی برای این فعالان، مطالبه‌ای عمومی است.



بازنشستگان نفت چرا معترض‌اند؟

بازنشستگان صنعت نفت با انتقاد از دخالت‌های دولتی و کاهش مستمر رفاهیات می‌گویند قرارداد رفاهی که با امید به آن، وارد این مجموعه شده‌اند، امروز اجرا نمی‌شود و حتی هزینه درمان را پس از ده‌ها سال خدمت از جیب می‌پردازند.

جهانگیر ادیبی (از فعالان بازنشسته صندوق بازنشستگی نفت در استان اصفهان) در رابطه با مشکلات و چالش‌هایی که به صورت تاریخی در صندوق بازنشستگان نفت روی هم جمع شده‌اند، اظهار کرد: یکی از مشکلات بازنشستگان صندوق‌های بازنشستگی نفت این است که به دلیل مزایا و حقوق نسبتاً بالاتر این صندوق در مقایسه با دیگر صندوق‌ها، گفته می‌شود که نباید تعهدات رایج و عرفی بازنشستگان این صندوق طبق قانون پرداخت شود تا ناکارآمدی مدیریتی ما در دیگر صندوق‌های ضعیف‌تر دیده نشود. در واقع این موضوع مورد تاکید قرار نمی‌گیرد که مدیران موظف به ارتقای وضعیت سایر صندوق‌ها تا سطح حداقلی صندوق نفت هستند، بلکه از دید برخی باید وضعیت بازنشستگان صنعت نفت را تا سطح سایر صندوق‌ها تنزل داد. این ذهنیتی است که مدت‌هاست بازنشستگان را تهدید می‌کند!

وی افزود: سیاست‌های اتخاذ شده دولت‌ها پس از جنگ تحمیلی نیز این بود که به جای آنکه رفاهیات و حقوق سایر پرسنل وزارتخانه‌ها را افزایش دهند، تلاش شود به مرور رفاهیات و حقوق بازنشستگان نفت و وضعیت صندوق آن را با سایر صندوق‌ها همسان کنند. بارها مدیران عالی کشور پرسیدند که چرا صندوق نفت باید برای بازنشستگان خود فروشگاه تعاونی مجزا داشته باشد؟ چرا شرکت نفت برای بازنشستگان خود سینما و ورزشگاه تاسیس کرده است؟ چرا صندوق نفت به صورت اختصاصی برای نیروهای صنعت نفت بیمارستان دارد و چرا این تبعیض بین کارکنان دستگاه‌ها وجود دارد؟ پاسخ ما این بود که این امکانات رفاهیات طبیعی بازنشستگان است و البته حق سایر بازنشستگان نیز هست و طرح بحث «تبعیض» در قبال حذف این حداقل‌ها نوعی مغالطه است!

ادیبی اضافه کرد: در دولت شهید رجایی، مهندس غرضی وزیر وقت نفت اختلافاتی با دولت بر سر پرداخت پول نفت داشت. پس از آقای غرضی، آقای آقازاده آمد و تغییراتی در حوزه نفت داد و شرکت نفت را به وزارت نفت تبدیل کرده و شرکت‌های تابعه آن را وارد وزارت نفت کرد. پس از آقای آقازاده بود که به مرور رفاهیات بازنشستگان نفت کوچک شد. دانشکده نفت و آموزشگاه‌های فنی وزارتخانه به مرور از شرکت نفت حذف



شد. ما بیمارستانی در مسجد سلیمان داشتیم که تقریباً از تجهیز افتاده اما در گذشته پزشکان خارجی در آنجا طبابت می‌کردند. در ادامه گام به گام همه این امکانات از صندوق بازنشستگان نفت گرفته شد.

این فعال حقوق بازنشستگان نفت و شاغل پیشکسوت وزارت نفت اظهار کرد: در دوره اول وزارت آقای زنگنه، یک تعدیل عمومی در وزارتخانه رخ داد که باعث کاهش عمومی سطح ضریب پشتیبانی صندوق و آسیب جدی به کل پیکره آن شد. بحث سبک‌سازی نیروها در آن زمان مطرح شد که خود بنده در آن دوران آسیب دیدم. در چهارچوب اصل ۴۴ و خصوصی سازی، برخی خدمات وزارت نفت به بخش خصوصی و پیمانکاری سپرده شد. برخی از شرکت‌ها نیز به سایر صندوق‌ها و شرکت‌های تابعه دولتی و خصولتی مانند شستا و دیگر مجموعه‌ها واگذار شدند. از این طریق، بخش زیادی از نیروها دیگر ذیل صندوق نفت بازنشسته نشدند بلکه یا به صورت بیمه تامین اجتماعی یا در چهارچوب نیروهای دولتی صندوق بازنشستگی کشوری بازنشسته شدند.

این عضو سابق هیات مدیره کانون بازنشستگان نفت اصفهان تصریح کرد: طبق قانون اساسی، شرکت‌های مادر نباید در لیست شرکت‌های قابل واگذاری در جریان اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی قرار بگیرند. اما متأسفانه شرکت‌های مادر را قطعه قطعه کرده و خصوصی‌سازی کردند و به این ترتیب بخش زیادی از نیروهای شاغل حوزه نفت دیگر ذیل پوشش بیمه صندوق نفت قرار نگرفتند. واحدهای پتروشیمی و پالایشی نیز به مرور خصوصی شد و بخشی از کارگران پیشرو که تا دیروز کارگر محسوب می‌شدند، طبق تصمیمات اخیر برای جلوگیری از مخالفت با این روند تبدیل به کارمند شدند. هدف، خارج کردن واحدها از نظارت وزارت کار بود. برخی نیز با این ذهنیت که شان و مزایای کارمندی بیش از کارگری است، تسلیم این حربه شدند.

وی تأکید کرد: اتفاقی که در ادامه افتاد این بود که برخی موقعیت‌های شغلی با عنوان کارمند و ستاره دار حذف شدند و اعلام شد که دیگر به این افراد و موقعیت‌های شغلی نیازی نداریم. بحث «کد ۲۳» در آن دوران باعث خروج بسیاری از نیروها از ذیل پوشش کسورات‌پردازی صندوق بازنشستگی نفت شد. حدود ۲۷ هزار نفر پرسنل به این شیوه از امکان ورود به صندوق بازنشستگی نفت محروم و از ذیل پرسنل اصلی نفت خارج شدند. برخی از آن‌ها به حق یا ناحق از صنعت نفت و شرکت‌های اقماری آن خارج شده و برخی به طور کلی از این صنعت بیرون آمدند. برخی با تمایل شخصی از کل صنعت خارج شده و برخی نیز مهاجرت کردند. در آن زمان یک مبلغ کلی بابت خروج پرسنل نیز می‌دادند که مبلغ چشمگیری بود و برخی از روی نیاز به آن پول، از موقعیت شغلی خود صرف‌نظر کردند.

ادیبی ادامه داد: همین روند که بخشی از حذف‌های آن ریشه سیاسی داشت در کنار حذف فروشگاه‌های تعاونی و از دست رفتن دفتر کالاهای نفت در لندن که متعلق به صندوق بود، باعث آب رفتن صندوق بازنشستگان نفت به مرور شد. در واقع از جایی که بعد این صندوق بسته که بسته شدنش هیچ توجیه عقلانی‌ای ندارد، تنها با حمایت و فعالیت اقتصادی ۱۸۱ شرکت قدرتمند تابعه این صندوق سرپا ماند.

او گفت: در موضوع دفتر فروش کالاهای شرکت نفت در لندن که متعلق به صندوق بازنشستگان بود، این دفتر اجناس انگلیسی را بدون تعرفه گمرکی وارد ایران می‌کرد. اما اتفاقی که افتاد این بود که مالکیت این دفتر طبق قانون از شرکت نفت به صندوق نفت منتقل نشد و این موضوع باعث شد در چهارچوب جریمه قرارداد کرسنت، این مجموعه به نفع شاکیان مصادره شود و هنوز کشمکش حقوقی روی آن به عنوان یکی از اراضی و املاک به شدت گران‌قیمت بازنشستگان نفت، باقی مانده است.



وی مدعی شد: بخش دردناک و فسادبرانگیز ماجرا این است که سالها در ردیف هزینه‌ای صندوق بازنشستگان نفت، هزینه تعمیر و نگهداری جایی که تعمیر و نگهداری نمی‌شده و سند آن هنوز به نام صندوق نشده، در نظر گرفته شده؛ پولی که از جیب بازنشستگان رفته است!

این فعال حقوق بازنشستگان نفت خاطرنشان کرد: بخشی از اموال دیگر صندوق مثل دفتر فروش و دفتر تعاونی‌های صندوق، بخشی از ساختمان‌های کانون‌های بازنشستگان نفت و... نیز باقی مانده که راکد است و برخی نیز واگذار شده و از دست رفته است. همچنان که این اموال و املاک آب می‌رفت، شرکت‌های تابعه و رفاهیات بازنشستگان نیز به مرور در صندوق نفت آب رفت. این درحالی است که ما از ابتدا تاکید داشتیم که این صندوق از نظر ماهیتی خصوصی است و به همین دلیل یکی از اولین مطالبات بازنشستگان نفت در تجمعات اخیر، اصلاح اساسنامه صندوق برای منع دخالت دولتی است.

عضو سابق کانون بازنشستگان نفت اصفهان تاکید کرد: بازنشستگان صندوق به این معترض هستند که چرا سطح دخالت دولت در مجموعه صندوق بازنشستگی نفت بالاست. همین فقره از دست دادن ملک انگلستان و لندن صندوق بازنشستگان نفت نشان داد که وزیر اسبق همگی درباره انتقال سند از شرکت نفت سابق به صندوق بازنشستگان نفت راست نگفته‌اند و مدیران پیشین صندوق نیز در این روند همراهی کرده‌اند. زیرا اگر سند به نام ما بود، به عنوان یک سند حقوقی متمایز صادره نمی‌شد. یکی از مطالبات بازنشستگان اما اکنون این است که شرکت نفت بازنده بوده و این ربطی به بازنشسته ندارد و باید معادل پول زمین مربوطه به سرمایه صندوق بازنشستگان صنعت نفت برگردد!

ادیبی بیان کرد: ما در شرکت سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگان نفت ۱۸۱ شرکت قدرتمند داریم که توان مالی بالا دارند. این درحالی است که باوجود این ثروت فراوان، هنوز از بازنشسته مالیات بابت مستمری کسر می‌شود و تعهد روز اول تشکیل صندوق مبنی بر تامین درمان ارزان بازنشسته هر روز بیش از پیش آب می‌رود.

او افزود: باوجود کسورات بالای پرداخت شده، قدرت شرکت‌های تابعه از نظر درآمدزایی و همه امکانات درمانی، صندوق ما را ملزم کرده است که از جیب خود یکی از بالاترین نرخ‌های فرانشیز را بابت درمان پرداخت کنیم؛ موضوعی که بازنشستگان نفت به آن به شدت انتقاد داشته و صدایشان بلند شده است.

این فعال حقوق بازنشستگان نفت بیان کرد: ما به امید قرارداد خوبی که وزارت نفت با ما داشت و در آن رفاهیات و درمان ذکر شده، وارد مجموعه نفت شدیم اما امروز حتی هزینه درمان را بعد از ۲۵ تا ۳۰ سال خدمت از جیب خود می‌دهیم. همین موضوعات است که باعث شده پس از سال‌ها بازنشستگان نفت نیز کاسه صبرشان لبریز شده و به صورت گسترده به تجمعات بپیوندند. هرچند فعالان بازنشسته درباره مذاکرات با صندوق با هم اختلاف داشته و هنوز برخی پیگیر مذاکرات شدند، اما ما در انتخابات اخیر کانون‌های بازنشستگان نفت شرکت کردیم تا بتوانیم از طریق قانونی، حقوق خود را بدون تنازل از اصول طلب کنیم.

ما از علما و مراجع دست خط داریم که دست درازی به اموال این صندوق در حکم دست درازی به حق الناس بوده و ایراد جدی شرعی دارد.

این پیشکسوت صنعت نفت تصریح کرد: ما افراد بزرگی در بازنشستگان نفت داریم که می‌توانند از بذل و بخش ثروت صندوق در قالب پرداخت بلاعوض پول به دولت جلوگیری کنند. یک صندوق بسته توان این را ندارد که شرکت‌ها و واحدهای زیانده را دریافت کرده یا هزینه جاری دولت را بدهد!



ادیبی تصریح کرد: صندوق بازنشستگان صنعت نفت به واسطه ثروت خود و عدم وابستگی به دولت برای فعالیت، خصوصی‌ترین مجموعه بازنشستگی کشور و کاملاً خصوصی است و بازنشستگان مالک آن هستند. دولت هیچ حقی روی آن ندارد. به همین دلیل برای تسلط بر صندوق به شکل غیراصولی اساسنامه مورد دستکاری قرار گرفت که باید به حالت قبل برگردد.



اعتراض کارکنان بهداشت اراک: نصف کارانه را گرفتیم

کارکنان بهداشت اراک مقابل ستاد دانشگاه علوم پزشکی تجمع کردند. آن‌ها به پرداخت تنها ۵۰ درصد کارانه با فرمولی غیرشفاف و بی‌عدالتی آشکار در نحوه پرداخت‌ها معترض هستند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، سه‌شنبه ۴ آذرماه، کارکنان بهداشت اراک مقابل ستاد دانشگاه علوم پزشکی تجمع کردند. آن‌ها به پرداخت تنها ۵۰ درصد کارانه با فرمولی غیرشفاف و بی‌عدالتی آشکار در نحوه پرداخت‌ها معترض شدند.

این نیروها می‌گویند: از وعده‌های توخالی خسته شده‌ایم و تلاش برای رسیدن به خواسته‌هایم تا کنون به نتیجه نرسیده است.

گفتنی است، سال‌هاست که پرستاران و کارکنان بهداشت به عدم دریافت دستمزدی متناسب با سبب حداقل‌های زندگی، فشار کار بالا، عدم اجرای صحیح قانون تعرفه‌گذاری خدمات و اضافه‌کاری‌های اجباری معترض هستند.



نگرانی طبقه کارگر از گرانی بنزین و حذف ارز ترجیحی/ چیزی از سفره کارگران باقی نمی‌ماند

امروز تورم نقطه به نقطه واقعی خوراکی‌ها بالای ۷۰ درصد است؛ بعد از شوک جدید، مزدبگیران حتی آن‌هایی که ۲۰، ۲۵ یا حتی ۳۰ میلیون تومان حقوق می‌گیرند، سقوط می‌کنند، دیگر نمی‌توانند چرخ زندگی را بگردانند.



از سوی دیگر، از اظهارات اخیر حمید پورمحمدی، رئیس سازمان برنامه و بودجه، مبنی بر کارآمد نبودن ارز ترجیحی ۲۸,۵۰۰ تومانی در کنترل قیمت‌ها، چنین برمی‌آید که یک دور جدید حذف ارز ترجیحی در دستور کار است و حداقل بخشی از دولت و سیاست‌گذاران در راستای پر کردن کسری‌های بودجه و درآمدزایی، قصد دارند ارز دولتی واردات کالاهای ضروری را بردارند و یک شوک مجدد به سبد هزینه‌های مردم بدهند.

اخیرا نیز حسین صمصامی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، اعلام کرد که در جلسه سران قوا، حذف ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی و یکسان‌سازی نرخ ارز حوالی ۱۰۰ هزار تومان تصویب شده است هرچند پس از آن، علیرضا گچیز زاده، معاون ارزی بانک مرکزی، اعلام کرد که سیاست قیمت‌گذاری در مورد ارز ترجیحی تغییری نکرده است.



فراخوان به تجمع برای نوزده آذر

همکاران شرکتی و ارکان ثالث نفت و گاز با تاکید بر حذف پیمانکاران برای نوزدهم آذر ماه فراخوان به تجمع داده اند. این یک فراخوان ملی به همکاران شرکتی کل ارگانهای کشور است.

شورا سازماندهی کارگران پیمانی نفت از این فراخوان حمایت کرده و همه همکاران در نفت، همه کارگرانی که با این درد درگیرند را به شرکت وسیع در آن فرا میخواند. با خانواده ها شرکت کنیم.

ما همچنین از همه کارگران و همه مردم انتظار داریم که مورد بیشترین حمایت و پشتیبانی قرار بگیریم. و همین جا از بازنشستگان گرامی در رشت بخاطر حمایت گرم خود از این خواسته به حق قدردانی میکنیم. متن فراخوان را در اینجا بخوانید و صدای آن باشید.

فراخوان ملی همکاران شرکتی کل ارگانهای کشور

فراخوان فوری!

نیروهای شرکتی به پا خیزید!

پس از رأی ۹۰ درصدی مجلس و وعده ساماندهی، طرح عادلانه حذف پیمانکاران در پیچ‌وخم نهادهای تصمیم‌گیر، بلا تکلیف مانده است.

ما راهکارهای موقت مانند واریز مستقیم حقوق را که تنها ادامه ظلم پیمانکاری است، نمی‌پذیریم!

تنها راه‌حل، اجرای طرح اولیه مجلس برای حذف کامل واسطه‌ها و امنیت شغلی پایدار است.

وقت اقدام است!



اجرای بی‌کم‌وکاست طرح ساماندهی و حذف پیمانکاران
وعده ما: چهارشنبه، ۱۹ آذر، مقابل مجلس! تا احقاق کامل حق، صحنه را ترک نخواهیم کرد!
حذف پیمانکار تبدیل وضعیت حق ماست نیروهای شرکتی به پان خیزید !
اعتراضات سراسری نفت سقف حقوق

همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!
از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد
حمایت کنیم!
از مبارزه کارگران قراردادی و پیمانی برای لغو کار پیمانی و قرارداد های اسارتبار موقت
حمایت کنیم!

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در
آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>